

تأثیر اصل صحت بر امنیت روانی فرد و جامعه

دریافت: ۹۵/۹/۶ تأیید: ۹۶/۳/۲۲ حمید روستایی صدرآبادی*
راضیه جماعتی اردکانی** و محمود رایگان***

چکیده

علم فقه از گستردگی و سیطره بالایی در همه ابعاد زندگی انسان؛ بخصوص در نظام اجتماعی، برخوردار است. خداوند متعال علاوه بر ملاحظات فردی در جعل و تشریح احکام و فروع فقهی، به مصالح و مفاسد اجتماعی نیز توجه داشته و سلامت جامعه را در نظر گرفته است. جامعه سالم، قبل از آسایش، به «امنیت روانی» نیازمند است. از قواعد اثرگذار بر امنیت روانی، «قاعده صحت» در علم فقه است. شارع مقدس دستور داده تا اعمال و رفتار، حتی گفتار و اعتقادات دیگران، بر صورت صحیح حمل شود و این امر در وجدان، فکر و ذهن، نهفته و با فطرت انسان هماهنگ است. این قاعده در اکثر کتب قواعد فقهیه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در دو معنای «جواز تکلیفی» و «صحت وضعی» شهرت بیشتری یافته است. در این مقاله با استفاده از آیات، روایات و منابع فقهی، هر دو معنا، مورد پژوهش قرار گرفته و دریافته است که امنیت روانی بر انواع دیگر امنیت، مقدم است و با توجه به ادله اعتبار اصل صحت که به نوعی به امنیت روانی اشاره دارند، عمل به این قاعده، سبب ایجاد امنیت روانی و آرامش در افراد و جامعه می‌شود.

واژگان کلیدی

اصل صحت، امنیت روانی، سوء ظن، آرامش، جامعه

* استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آیت‌الله حائری میبد: rostaei@haeri.ac.ir

** عضو هیأت علمی گروه روانشناسی دانشگاه اردکان: jamaati@ardakan.ac.ir

*** دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه آیت‌الله حائری: mahmoodrayegan@yahoo.com

مقدمه

از آنجا که انسان فطرتاً موجودی اجتماعی و تنهاگریز است، لابد با هم‌نوعان خود به صورت مستمر و همیشگی در ارتباط است. انسان‌ها با استفاده از قدرت تخیل، تصور و تفکری که خداوند حکیم به ایشان تفصل نموده است، توانایی درک متفاوت از اطراف خویش را دارا می‌باشند و به همین دلیل، از حوادث و امور گرداگرد خود و رفتار افراد جامعه برداشت‌های گوناگونی دارند.

در اسلام و شریعت اسلامی، شارع مقدس، ابزارهای ادراکی و ویژگی‌های مثبت و منفی انسان را مرزبندی و ترسیم نموده است و راه معرفت سلامت و امنیت روان فرد و اجتماع را مشاهده اعمال و رفتار انسان‌ها و برداشت صحیح و انطباق یا عدم انطباق آن با مسائل و فروع شرعی با متدهای مخصوص به خود دانسته است.

شارع مقدس که خود خالق انسان‌ها است و بر مصالح و مفاسد آنان آگاهی کامل دارد، در شریعت مقدس دستور به کنار گذاشتن بدبینی و سوء ظن داده است و راه و روش اجتماعی‌نگریستن به اعمال و رفتار دیگران را در قالب آیات قرآن بیان داشته است. ما حصل اوامر خداوند متعال، در قاعده‌ای به نام «قاعده صحت» که فقهای عظام پیرامون آن، مباحث مختلفی ارائه نموده‌اند، تبلور و تجلی یافته است.

قاعده صحت از قواعد مهم، پرکاربرد و مشکل‌گشا برای فرد و جامعه است؛ به این معنا که باید در اعمال و رفتارها بنا بر صحت گذاشته شود، مگر جایی که دلیل قطعی بر خلاف آن باشد. لذا تا یقین به خطا پیدا نشود، نباید شخص و اجتماع را بر اساس ظن و گمان متهم کرد. مطابق این اصل و قاعده، عمل دیگران را باید صحیح، درست و شایسته دانست.

ویژگی مهم این قاعده، مطابقت آن با وجدان انسان است؛ چراکه فطرت آدمی همواره به عمل صحیح اشتیاق داشته، به همین خاطر اعمال دیگران را صحیح پنداشته و هر عملی را که از افراد صادر می‌شود؛ اعم از عبادات و معاملات، عقود و ایقاعات و حتی مسائل حکومتی، سیاسی و اقتصادی که از دولتمردان سر می‌زند، حمل بر صحت

نموده است، تا جامعه از امنیت و ثبات برخوردار باشد و فضا برای اعتماد و اطمینان به یکدیگر فراهم آید. همانطور که در سخن امیر مؤمنان علی 7 آمده است: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَتَّقُ بِأَحَدٍ لِسُوءِ ظَنِّهِ وَلَا يَتَّقُ بِهِ أَحَدٌ لِسُوءِ فِعْلِهِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۵)؛ بدترین مردم کسی است که به خاطر سوء ظن به کسی اعتماد نمی‌کند و به خاطر اعمال بد او، کسی نیز به او اعتماد نمی‌کند.

در حقیقت این قاعده بر دو رکن (نفس انسان و دیگری) استوار است. در اجرای این قاعده، طرفین متعلق در قاعده، از آثار و مزایای رفتاری و روانی آن سود خواهند برد؛ چراکه احساس امنیت و آرامش روانی سبب سکون روحی و زوال استرس فرد و جامعه خواهد شد.

کسی که مجری این قاعده است، به راحتی و با امنیت روانی می‌تواند آثار وضعی اعمال دیگران را بر آن بار کند و از نتایج مرتبط با آنها استفاده نماید.

افراد جامعه با این احساس که دیگران در مورد ایشان ذهنیت مثبت دارند و آنها را مورد اعتماد قرار داده و پندار جامعه در مورد عملکردشان صحیح است، موفق به ارتقای امنیت روانی و اعتماد به نفس می‌شوند.

گزار نیست، اگر گفته شود در جامعه‌ای که این اصل، مبنای عمل باشد، امنیت و آرامش حکمفرما خواهد بود؛ چراکه امروزه همه امور زندگی انسان به این اصل نیازمند است. مثلاً یکدیگر را از لحاظ جسمی، رفتاری و... سالم می‌پندارند، رستوران‌ها، داروها، مواد غذایی، خوراکی و... همه را صحیح و سالم فرض می‌کنند. داشتن امنیت و اطمینان خاطر، نخستین نیاز انسان برای پیشبرد اهداف، تلاش و فعالیت است. مقاله حاضر فرض نموده که اصل صحت بر امنیت روانی فرد و جامعه اثرگذار است و با روش اسنادی و کتابخانه‌ای با نگاهی اجتماعی، پس از طرح بحث و مفاهیم مرتبط، به تبیین این موضوع پرداخته است.

امنیت روانی

واژه «امن» ضد «خوف» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۱؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق،

ج ۸، ص ۳۸۸)، به معنای ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۲۳). انسان همیشه به دنبال تأمین نیازهای خویش است و آسایش و آرامش از مهم‌ترین نیازهای او به‌شمار می‌رود.^۱ بنابراین، در ضرورت آن شکی نیست، اما امکان و وقوع آن با نگاه به آیات قرآن به‌خوبی قابل درک است. خداوند جامعه امن و آرام را مثال زده که انسان‌ها باید سپاسگذار باشند و جالب این که اگر جامعه دچار کفران و ناسپاسی شود، ترس که ضد امنیت است، بر آنها حاکم خواهد شد (نحل (۱۶): ۱۱۲). لذا امنیت زمانی عینیت پیدا خواهد کرد که از ترس، اثری نباشد. رسیدن جامعه به آسایش و رفاه، در گرو فراهم‌شدن امنیت اجتماعی و روانی است. درخواست حضرت ابراهیم ۷ (بقره (۲): ۱۲۶)، برای فراهم‌آوری نعمت امنیت برای جامعه، به‌خوبی دغدغه امنیت را تبیین می‌کند. از همین رو است که دشمنان با پی‌بردن به جایگاه این مؤلفه، در صدد از بین بردن امنیت در برخی کشورها و ایجاد ناامنی هستند.

شارع مقدس با آگاهی کامل از مصالح و مفاسد انسان‌ها، در تشریح و جعل قواعد و احکام، اصل صحت را در نظر گرفته و با توجه به آن، مقررات و قوانین زندگی جامعه بشری را به‌گونه‌ای ترسیم نموده که امنیت روان و آرامش خاطر، در وجود آنها حفظ گردد. در این باره جعل قاعده «اصالة الصحة» بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه اگر با نگاه کلان‌فقهی و اجتماعی به آن نگریسته شود، اهمیت و جایگاه آن به‌خوبی روشن می‌گردد. همچنین قانونگذار نیز باید در وضع قوانین، امنیت و سعادت مردم را در نظر بگیرد. لذا در قوانین ایران این اصل مورد پذیرش قرار گرفته و مواد ۲۲۳، ۵۳۲، ۶۹۹، ۱۰۶۷، ۱۲۱۳ و ... قانون مدنی با توجه به این اصل تنظیم شده است. در حقیقت، اگر هدف، ایجاد امنیت روانی در جامعه باشد، یکی از موارد نیل به این هدف، قاعده «اصالة الصحة» است که شارع مقدس آن را جعل و تشریح نموده است.

ارتباط صحت و امنیت روانی

اموری مانند شک، وهم، ظن و یقین از اعتبارات نفسانی هستند (مشکینی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵۱) که ظرف آنها فکر، تصور و ذهن انسان‌ها است (سید مرتضی،

۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۷۳) و در واقع با روان انسان‌ها ارتباط دارند. اگر به صورت بین‌رشته‌ای به دو دانش فقه و روانشناسی نگریسته شود، فهمیده می‌شود که فلسفه تأسیس اصول، در واقع نوعی پیشگیری است که قبل از مراجعه به ادله خاص هر مسأله، صورت می‌گیرد و این امر با استفاده از روان انسان‌ها شکل می‌گیرد که بر اساس آن، حکم شرعی درک و سپس به مرحله فعلیت و اجرا رسیده و در صورت وجود شرایط، آثار وضعی آن بار می‌شود. مثلاً در مورد افعال، رفتار و اعمال دیگران که آیا صحیح هستند یا نادرست؟ شک که از امور روانی است، حاصل می‌شود. سپس با صحیح‌دانستن این اعمال و رفتارها که قاعده‌ای فقهی است، انسان آرامش خاطر و احساس خوشایندی نموده و آثار وضعی هر فعل را بر آن بار می‌کند که به این کار در فقه، «اصل صحت» گفته می‌شود. اصل در لغت، به معنای ریشه (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۸۸)، پایینی و اساس هر چیزی «اسفل الشئ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۶؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۱۸) و آنچه که شیء بر آن بنا می‌شود «ما بینی علیها الشئ» (مصطفوی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۵۹)، آمده است. این واژه، در اصطلاح، دارای چهار معنا «دلیل»، «ارجحیت»، «استصحاب» و «قاعده» است که منظور از «اصل صحت»، همین معنای چهارم؛ یعنی «قاعده» صحت می‌باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲؛ همو ۱۴۱۹ق، ص ۶۰۸؛ حسینی بوشهری، ۱۴۳۷ق، ص ۲۳۸).

معنای صحت

واژه صحت در لغت، نقیض سقم و به معنای رهاشدن از هر گونه عیب و مرض است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۱۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۰۷) که خود حاکی از سلامت است. در اصطلاح، هر چند قاعده صحت به معانی مختلفی تفسیر شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۱۴)، اما بین علما در دو معنا و کاربرد، شهرت بیشتری دارد.

الف) صحت وضعی؛ این معنا در مقابل «فساد وضعی» و دائرمدار «صحت و بطلان» است (سبحانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۴۸) که در فقه و حقوق کاربرد دارد؛ البته

صحت در حقوق، عبارت است از عمل حقوقی که مطابق شرایط قانون انجام گیرد (جعفری لنگرودی، بی تا، ج ۱، ص ۳۶۷).

ب) جواز تکلیفی؛ به این بیان که در برخورد با اعمال و رفتار دیگران، بنا بر جواز، حلیت و مشروعیت گذاشته می شود، مگر این که خلاف آن ثابت شود (در قوانین کیفری جهان نیز اصل بر همین است؛ زیرا تا هنگامی که تقصیر و خطای کسی ثابت نشود، او را مجرم به حساب نمی آورند و کیفر نمی کنند). این معنا دائرمدار «حسن و قبح» (سبحانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۴۸) و مطابق فطرت است. بنابراین، دارای جنبه اخلاقی و روانی می باشد. این معنا، مربوط به رابطه فاعل با خدای خودش و مبتنی بر مصالح مردم است که در زندگی اجتماعی، باعث عدم اتهام، نسبت به افراد و جامعه به فعل حرام و در نهایت سبب برقراری امنیت روانی، آرامش و آسایش نسبی در جامعه می شود (حسینی بوشهری، ۱۴۳۷ق، ص ۲۴۰-۲۳۹). بسیاری از ادله قرآنی و روایی اصل صحت، ناظر به همین معنا است.

معنای دیگری که برای قاعده صحت وجود دارد، آن است که وقتی شخصی عملی را که مرکب از اجزاء و شرایطی است، انجام می دهد، فعل او را حمل بر صحیح و تام الاجزاء و الشرائط کنیم و فرقی در عبادی بودن و یا معاملی بودن آن فعل نیست.

امنیت روانی و ادله اعتبار اصل صحت

صحیح پنداشتن اعمال و رفتار دیگران، با فطرت انسان گره خورده است و انسانها در ارتباط با یکدیگر، بنا را بر صحت می گذارند و نسبت به این امر، آرامش خاطر و احساس امنیت دارند. این مبنا در سراسر زندگی افراد جریان داشته و در شریعت اسلامی با عنوان «اصالة الصحة فی فعل الغیر» و «فعل المسلم»، شناخته شده است. در بسیاری از ابواب و فروع فقه و کتب اصولی - در باب استصحاب - جریان دارد و در کتب فقهی (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲؛ انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۷۱۷ و ۷۲۲؛ نائینی، بی تا، ج ۴، ص ۶۵۳؛ سبحانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۵۰) و کتابهای قواعد فقهیه (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۸۵؛ مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۷۴۴؛ مکارم شیرازی،

۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۱۱؛ حسینی بوشهری، ۱۴۳۷ق، ص ۲۳۵؛ محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۹۵)، پیرامون آن بحث و گفت‌وگو شده است. از احکام قاعده صحت، تقدم آن بر اصل فساد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۴۵) و حکومت بر استصحاب است (نائینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۶۶۹؛ موسوی خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۳۹؛ مغنیه، ۱۹۷۵م، ص ۴۱۸؛ شهید صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۹۹). قواعد دیگری مانند قاعده فراغ و تجاوز نیز ممکن است اثر روانی برای خود فرد داشته باشند، اما با این قاعده متفاوت هستند؛ چراکه محل اجرای آنها فعل خود شخص است، نه افعال دیگران.

دلایل نقلی اعتبار اصل صحت از قرآن و سنت بسیار است که در آنها از ظن، گمان‌های بد و بدبینی، نهی شده است؛ مانند «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره (۲): ۸۳)؛ به مردم نیک بگویید که البته استدلال به آن، بر اصل صحت تمام نیست. «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات (۴۹): ۱۲؛ طه (۲۰): ۴۴)؛ از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است. روایات مانند «ضع امر اخیک علی احسنه...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۶۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۳۰۲) کار برادر خود را بر شکل احسن آن قرار ده. «إذا اتهم المؤمن اخاه انماث الايمان من قلبه...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۳۰۲)؛ هرگاه مؤمن به برادر [دینی] خود تهمت بزند، ایمان در قلب او از میان می‌رود؛ همچنان که نمک در آب ذوب می‌شود. امام کاظم ۷ به «محمد بن فضیل» فرمود: «یا محمد کذب سمعک و بصرک عن اخیک و ان تشهد عندک خمسون قسامه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۴۷)؛ ای محمد (پیامبر) گوش و چشم خود را در مورد برادر (دینی‌ات) تکذیب کن؛ اگر چه (علیه او) پنجاه نفر قسم یاد کنند.

الف) قرآن کریم

قرآن کریم از ظن و گمان‌های بد نهی نموده و برخی از گمان‌ها را نیز گناه شمرده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَ

لَا يَغْتَبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ» (حجرات (۴۹): ۱۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید، تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!

پس باید از ظنونی که اثم و گناه‌اند اجتناب کرد، اما از آنجا که ظن، نوعی ادراک نفسانی است که به طور معمول اجتناب از آن برای انسان مقدور نیست و خداوند نیز از غیر مقدور نهی نمی‌کند. لذا معنای آیه، ترتیب اثر ندادن به گمان‌های بد است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۱۶). انسان در مورد گمان و فکر، مکلف نمی‌شود، لکن در مورد ترتیب اثر دادن به آن، امکان جعل تکلیف دارد.

قرآن انسان‌ها را از ترتیب اثر دادن به گمان‌های بد نسبت به دیگران نهی نموده است و از جمله گمان‌های بد، حمل افعال آنان بر بطلان، عدم صحت و در نتیجه بی‌اثر دانستن برخی اعمال حقوقی آنان، همچون عقود و ایقاعات است. مثلاً اگر شخصی بر مرده نماز بخواند و او را دفن کند، در صورت شک و سوء ظن در عمل وی، نمی‌توان نماز او را باطل شمرده و جنازه مرده را از قبر بیرون کشید و دوباره نماز خواند، بلکه نماز کفایتاً خوانده شده است و اگرچه علم به صحت آن نیست، ولی قاعده صحت آن را صحیح پنداشته و وجوب نماز دوباره را از دوش دیگران از جمله کسی که اصل صحت را جاری ساخته است، بر می‌دارد. آیه فوق مردم را از بسیاری از گمان‌ها نهی نموده است و در بیان دلیل آن می‌فرماید برخی از ظنون، گناه محسوب می‌شوند؛ یعنی در واقع ابتدا از بسیاری از گمان‌ها نهی نمود و سپس برخی از آنها را گناه اعلام کرد. بنابراین، بعضی از گمان‌ها در مورد دیگران گناه و اثم است که برای ترک آن نباید حکم به بطلان عمل دیگران کرد و نسبت به رفتار و اعمال آنها مظنون و مشکوک بود.

در باره قضاوت در رفتار دیگران، نباید به جنبه منفی توجه و برداشت سوء نمود؛ زیرا اگر در شخص، حالت بدبینی ایجاد شود، باعث شکاکیت وی و دوری از اجتماع خواهد شد. چنین فردی مدام در ترس حاصل از گمان‌های بد خواهد بود. از طرفی، این حالت موجب سلب آرامش دیگران می‌گردد؛ چون اگر افراد تصور کنند که در مورد آنها سوء ظن وجود دارد و در نظر دیگران رفتارشان ناپسند است، دچار ناامنی و ترس می‌شوند. اگر این مسأله به صورت عمومی و در جامعه پیش آید، آن جامعه از جهت روانی دچار ناامنی، ترس، تزلزل و هرج و مرج می‌شود. این امر تا حدی مهم است که خداوند متعال دستور داده که مردم از شر وسوسه‌گر پنهان‌کار که در سینه‌ها و صدور وسوسه می‌کند به او پناه ببرند: «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ» (ناس (۱۱۴): ۴-۵) و به وسوس او توجه نکنند. بنابراین، صحیح‌پنداشتن اعمال و رفتار دیگران که زائیده قاعده صحت است، زمینه چنین مشکلاتی را از بین می‌برد و سبب ایجاد امنیت روانی در جامعه می‌گردد.

آیه: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره (۲): ۸۳)؛ از برای مردمان خوب بگویید، از دیگر آیات مورد استدلال برای این قاعده است (عراقی، بی‌تا، ج ۴، ص ۷۸). این آیه به مردم سفارش می‌کند که در مورد دیگران خوب سخن بگویند، لکن با توجه به اشکالاتی که در استدلال به این آیه وارد شده است؛ از جمله عدم دلالت بر غیر قول، نمی‌توان از آن استفاده نمود (حسینی یزدی فیروزآبادی، ۱۴۰۰ق، ج ۵، ص ۲۹۹).

ب) سنت

در سخنان معصومین، نهی از سوء ظن و بدگمانی بسیار است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۱۹۴ و ۲۰۱؛ تمیمی آمدی (الف)، ۱۳۶۶، ص ۲۶۳) که با عبارات و الفاظ مختلفی به تبیین جایگاه آن پرداخته و به طور کلی بر عدم اتهام مؤمن و حمل نمودن قول مؤمنین بر وجه نیکو دلالت دارند (حسینی بوشهری، ۱۴۳۷ق، ص ۲۵۸).

از جمله روایات مرتبط با این اصل، روایت امام صادق ۷ است: «لَوْلَمْ يَجْزِ هَذَا لَمْ

یقم للمسلمین سوق» (کافی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۸۷)؛ اگر این جایز نباشد، هر آینه برای مسلمانان بازاری باقی نمی ماند. برای جلوگیری از متلاشی شدن نظام اقتصادی در «قاعده ید» به این روایت استناد می شود؛ در حالی که در قاعده صحت این امر بسیار مهم تر است؛ زیرا اگر حمل بر صحت نباشد، خبری از بازار مسلمین و امنیت روانی فرد و جامعه نیست؛ چراکه سبب به هم ریختگی اقتصادی، از بین رفتن بازار و اقتصاد جامعه و در نهایت هرج و مرج می شود (حسینی بوشهری، ۱۴۳۷ق، ص ۲۶۲).

در سند این روایت «علی بن محمد قاسانی» مشاهده می شود که به دو وجه قابل بیان است. اول: «احمد بن محمد بن عیسی» از وی غمز نموده و دلیل آن را نیز شنیدن مذاهب منکر از وی بیان داشته است. لکن «نجاشی» این سخن را قبول نکرده و این ادعا را ثابت نمی داند. برخی «علی بن محمد شیر» را ثقه دانسته و در مقابل علی بن محمد شیر قاسانی را ضعیف عنوان نموده اند که در نتیجه اشتراک بین ثقه و ضعیف، حکم به ضعف کرده اند (خویی، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۶۰).

دوم: برخی معتقدند علاوه بر ضعف سندی حدیث، مشهور فقها نیز از آن اعراض نموده اند (آشتیانی، بی تا، ج ۱، ص ۵۰۱)؛ زیرا از ظاهر کلام فقها، عدم جواز شهادت استناداً به ید است؛ در حالی که این روایت جواز آن را می فهماند. البته برخی این روایت را معمول به عمل اصحاب عنوان نموده اند که منافاتی با اعراض مشهور ندارد (موسوی قزوینی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۸۰).

روایت دیگری که بر اصل صحت آورده شده است، روایت امام صادق از امیرالمومنین ۸ است:

«ضَعُ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَ لَا تَظَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءاً وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۶۲)؛ کار برادر دینی خود را به بهترین وجه قرار بده تا آنگاه که از او رفتاری سرزنش کننده باورت را دگرگون کند و نیز به گفتار برادرت تا وقتی که تفسیر نیک می توانی کنی، گمان بد مبر.

هرچند این روایت مرسله است، ولی خدشه ای به صحت آن وارد نمی کند؛ چرا که

کثرت روایت ایشان و عمل اصحاب به آن، ضعف سند را جبران می‌کند و می‌توان به این روایت عمل کرد.

به طور کلی روایات فراوانی بر اثبات قاعده صحت ارائه شده است (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۳) که فقها آنها را اخص از مدعا دانسته و از آن حکم تکلیفی را استفاده نموده و حکم وضعی حمل فعل غیر بر صحت را قابل اثبات نمی‌دانند. مثلاً جایی که شخصی لفظی بگوید و در سلام یا فحش بودن آن شک شود، در اینجا روایات تنها بر صحت آن (سلام بودن) دلالت می‌کند و اثری بر آن مترتب نمی‌شود؛ یعنی نمی‌توان با استدلال به روایت رد سلام را واجب دانست (انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۷۱۸).

اما از آنجا که توجه به حکمت و مقاصد شریعت، تأثیر مهمی در تشریح احکام دارد، برقراری امنیت و آرامش روانی فرد و جامعه و جلوگیری از هرج و مرج از مقاصد و اهداف شارع مقدس است. در بیان اعتبار اصل صحت، به نظر می‌رسد معنای اول (جواز تکلیفی) مقدم بر معنای دوم (جواز وضعی) باشد؛ چراکه مقصود شارع از حمل فعل بر جنبه صحیح آن، حاکم کردن فضای امن روانی و آرامش خاطر در جامعه است. اگر حمل بر صحت نباشد، اختلال نظام و هرج و مرج پیش می‌آید و بندگان دچار تحیر و سردرگمی می‌شوند و شارع هم که بندگان را به مشقت و تکلف نمی‌اندازد (حسینی بوشهری، ۱۴۳۷ق، ص ۲۵۵). بنابراین، با نگاه کلان به آیات و روایات مورد استدلال برای این قاعده، می‌توان جایگاه اصل صحت و تأثیر آن را بر امنیت روانی افراد کشف کرد.

ج) دلیل عقل و ظهور حال مسلم

نگاهی به ادله اعتبار اصل صحت، به خوبی می‌فهماند که حمل و برداشت نادرست از افعال و رفتار دیگران، از نظر عقل ممنوع است. در جامعه اسلامی بر اساس حسن همجواری و برای تحقق هدف برادری و برابری که منطوق و مفهوم بسیاری از آیات و روایات است، حسن ظن به دیگران یکی از ضروریات است.

لذا در جامعه اسلامی که مسلمانان مکلف و مقید به تکالیف الهی هستند، باید حسن

ظن به آنان و انجام تکالیف و اعمالشان داشت (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۲۰۰).
در غیر این صورت، جامعه دچار اختلال نظام خواهد شد.

به هم ریختگی سوق مسلمین، پرهیز از اشیای تحت ید دیگران، عدم اطمینان در صحت عبادات و عقود و ایقاعات دیگران؛ از جمله نکاح و بیع، عدم اطمینان در صحت نماز امام جماعت و مانند آن، عدم صحت حکم قاضی که خود یک عمل محسوب می شود و در نتیجه عدم وجوب اعتنا به آن و بسیاری از موضوعات و موارد دیگر، تنها بخش کوچکی از وضعیت به هم ریخته یک نظام اجتماعی است که در سایه سوء ظن و یا عدم حسن ظن به وقوع خواهد پیوست.

اگر چه نداشتن حسن ظن، به معنای سوء ظن نیست، ولی ادنی مرتبه عکس العمل در سوء ظن، توقف است که در عدم حسن ظن نیز وجود دارد؛ به این معنا که شخص با عدم حسن ظن به عمل دیگری، از حمل آن بر وجه صحیح استنکاف نموده و هیچ حکمی جز توقف در مورد آن اجرا نمی کند. در این صورت، عمل بر وفق ظنون عامه خواهد بود و در مواردی نیز مشروع نیست.

در زندگی اجتماعی، پیوستگی و وابستگی انسان ها به یکدیگر مشهود است و ارتباط و تأمین نیاز انسان ها در قالب عقود و ایقاعات انجام می شود. تصرف در اموال، هنگامی مشروع است که قطع به صحت معامله یا حکم شارع به صحت آن وجود داشته باشد. لذا برای رهایی از اختلال نظام و ناامنی، تمسک به قاعده صحت لازم است (انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۷۲۰). خصوصاً در جوامع مسلمان که اقتضای مسلمان بودن بر این است که عمل و رفتار منافی با شرع انجام ندهند و به ضوابط و مقررات شرعی پایبند باشند. حتی در احکام و قوانین کیفری و جزایی نیز سعی شده اگر در مواردی در وقوع جنایتی یا در نسبت آن به متهم یا مسؤولیت جانی و مستحق حد بودن آن، شک شود، حکم از مرحله اجرا کنار گذاشته شود و این عمل در فقه به قاعده «الدرء» مشهور است (حسینی بوشهری، ۱۴۳۷ ق، ص ۹۹-۹۸) که در قانون مجازات اسلامی نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.^۲

اختلال نظام معاد و معاش، نتیجه عدم وجود قاعده صحت است و این مطلبی است

که غالب فقها بر آن اجماع دارند؛ اگر چه جریان قاعده را برخی از ایشان محدود به محل اختلال نظام نموده‌اند و در دیگر ازمه با این دلیل مجاز نمی‌شمرند (فیروزآبادی، ۱۴۰۰ق، ج ۵، ص ۳۰۰).

د) سیره عقلا

دلیل دیگر برای اثبات این قاعده سیره عقلانیه است؛ به این معنا که عقلا بما هو عقلا، فارغ از هر نوع اعتقادی که دارند و یا لائیک، بر این مسأله اتفاق دارند و سیره ایشان بر این نوع از حمل‌ها مستمر است؛ یعنی عمل دیگران را حمل بر صحت نموده و آن را دارای اثر می‌دانند.

این دلیل مقبول بوده تا جایی که برخی از مصنفین، رد آن را مکابره عنوان نموده‌اند («و لا أظن أحداً ينكر ذلك الا مكابرة» (همان، ص ۲۹۸).

اصل صحت در اقوال و اعتقادات دیگران

قاعده صحت علاوه بر این که در افعال دیگران جریان دارد، در گفتار و اقوال؛ در جایی که سخن و گفتار به منزله فعل و جزء عمل حقوقی یا شرعی به حساب آید، جاری می‌شود (حسینی بوشهری، ۱۴۳۷ق، ص ۲۹۰). به نظر می‌رسد، حتی اگر سبب اخلال نظام و برهم خوردن امنیت روانی جامعه گردد، در هر صورت، اصل صحت جاری می‌شود و مصالح جامعه و حفظ امنیت آن، ضروری و دارای اولویت است. همچنین در اعتقادات دیگران، هر گاه در صحت فعل شخصی به خاطر تردید در صحت اعتقادش، شک حاصل شود، به این شک اعتنا نمی‌شود و فعل او حمل بر صحت می‌گردد. بنابراین قاعده، حتی در باور دیگران که از امور روانی است، اصل صحت جاری می‌گردد (همان، ص ۲۹۱).

اثرات روانی بی‌توجهی به اصل صحت

هر چند اصل صحت با بدبینی ملازمه ندارد، ولی اجرای این اصل، تا حد زیادی می‌تواند از بدبینی و سوء ظن جلوگیری و آن را کنترل کند؛ چراکه حس بی‌اعتمادی و بدبینی از عوامل بحران‌زا و مخرب امنیت روانی است. بنابراین، هر عمل و رفتاری که

منجر به حس بی‌اعتمادی گردد، روان جامعه را هدف گرفته و باید به واسطه این‌گونه اصول، قوانین و احکام کنترل شود.

فرد بدبین ارزش و احترامی برای دیگران قائل نیست، نقاط روشن و خوب زندگی مردم را نمی‌بیند و تنها به ضعف‌های دیگران توجه دارد. از این‌رو، اسلام هرگونه بدگمانی و بدبینی که منجر به لکه‌دارساختن شخص در محیط فکر و پندار شود، حرام نموده و به مسلمانان دستور داده در جامعه، از هرگونه سوء ظن نسبت به دیگران بپرهیزند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات (۴۹): ۱۲)؛ ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان‌ها [در حق مردم] بپرهیزید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است.

نتایجی که عدم التزام به قاعده صحت در پی دارد و سبب نا امنی روانی فرد و جامعه می‌شود، عبارتند از هرج و مرج، اختلال نظام، تضعیف امنیت، خودآزاری، دیگرآزاری، تحلیل نادرست، فروپاشی زندگی، گسست الفت، اعتمادزدایی، اضطراب و گوشه‌گیری، تجسس، هلاکت و ...

در تحقیقات میدانی نیز پژوهش‌های متعددی درباره رابطه مستقیم و مثبت خوش‌بینی با سلامت روانی، انجام شده است (آقایی و همکاران، ۱۳۸۶، ش ۳۳، ص ۱۳۰-۱۱۷؛ شهینی و همکاران، ۱۳۸۳، ش ۲، ص ۳۴-۱۹) و حاکی از آن است که منشأ بیشتر بیماری‌های روانی از ناامنی روانی است.

فردی که به لحاظ فکری و ذهنی از محرک‌های درونی و بیرونی احساس ناامنی، ترس و خطر می‌کند، سلامت روانی و امنیت وی به مخاطره می‌افتد و به رفتار دیگران با پرخاشگری و اضطراب واکنش نشان می‌دهد. دریای ذهن و فکر او متلاطم و مدام در حالت تدافعی و کشمکش است. احساس ناامنی دائمی، متابولیسم بدن را به هم می‌ریزد؛ زیرا دستگاه ایمنی بدن، توان محدود دارد و از تحمل تنش دائمی ناتوان است. در نتیجه ادامه این وضع، فرد را به سمت و سوی بیماری‌های جسمی و روانی سوق خواهد داد. امنیت روانی باعث می‌شود که انسان احساس آرامش کند. به بیان دیگر،

فردی می‌تواند احساس آسودگی و اطمینان کند که احساس تهدید و ترس نکند و امنیت روانی داشته باشد (شاملو، ۱۳۷۸، ص ۹۲-۹۱).

همچنین ممکن است شخص بدبین، دچار فراموشی عیوب خود و پرداختن به امور دیگران (نهج البلاغه، قصار ۲۱۹)، تباهی عبادات (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق(ب)، ص ۱۷۱؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۹۹)، تفرقه‌افکنی، نفاق و دورویی... شود که در نظام اجتماعی بسیار خطرناک و مخرب است.

هشدارهای امنیتی اصل صحت

تأثیر اصل صحت بر امنیت روانی فرد و جامعه، به خوبی تبیین شد، اما باید توجه داشت که تنها سلامت رفتاری و صحیح‌پنداشتن اعمال دیگران و ظاهرالصلاح بودن آنان کافی نیست، بلکه در پاره‌ای از مسائل ممکن است نشانه و اماره بر نفاق، گمراهی و انحراف و سوء استفاده از عقاید مذهبی جامعه مسلمان باشد. لذا برای اجرای این قاعده شرایط و مواردی ذکر شده که به آن اشاره می‌شود.

الف) اصل صحت یک قاعده نسبی و حیثی است و فقط در همان مورد مشکوک جاری است؛ یعنی صحت هر چیزی بر حسب همان چیز است (انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۷۲۵؛ نائینی، بی تا، ج ۴، ص ۶۶۱؛ مغنیه، ۱۹۷۵م، ص ۴۱۶؛ امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۲۸). به طور مثال، اگر کسی در صحت اصل انتخابات ریاست جمهوری شک کند، با اجرای این قاعده، فقط می‌تواند به همان شک در صحت اصل انتخابات خاتمه دهد و شک را برطرف و انتخابات را صحیح بپندارد، ولی سایر امور مربوط به انتخابات از قبیل صحیح‌پنداشتن نظارت بر انتخابات و شمارش آراء، به صحت اصل انتخابات مربوط نمی‌شود. در حقیقت، اگر در صحت هر یک از اجزای یک کلی، شک شود، قاعده صحت در همان جزء جاری بوده و به سایر اجزاء ربطی ندارد.

ب) برای اجرای این قاعده و حمل اعمال و رفتار دیگران بر صورت صحیح، احراز عنوان عمل، شرط است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۹۰؛ نائینی،

ج ۴، ص ۶۵۸ و ۶۶۳؛ مغنیه، ۱۹۷۵م، ص ۴۱۵؛ امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۳۱؛ موسوی قزوینی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۴۴؛ زیرا قصد عنوان عمل به منزله موضوع برای این قاعده است. اگر موضوع محرز نباشد، حکم نیز از بین می‌رود و نمی‌توان صحت جاری کرد. عقلاً هنگامی افعال و رفتار غیر را صحیح می‌پندارند که در صورت اجرای این قاعده شک و تردید انسان با اعمال این قاعده از بین رفته و آرامش خاطر حاصل گردد. مثلاً شخصی قصد دارد که غسل کند، بدین منظور در آب شیرجه می‌زند و بیرون می‌آید. در این فرض، اگر از نیت و قصد او آگاهی حاصل شود و حامل اصل صحت بداند که او قصد غسل داشته در صورت شک در درستی فعل او اصل صحت جاری می‌کند، ولی اگر نداند که او قصد غسل داشته یا فقط برای شنا به داخل آب رفته، در این صورت حامل نمی‌تواند اصل صحت را جاری کند؛ زیرا قصد عنوان عمل فاعل، محرز نبوده است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۹۰).

ج) جایی که طبیعت عمل اقتضا می‌کند که فاسد باشد؛ یعنی اگر حمل بر صحت شود، امری استثنایی و خلاف طبع است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۴۷؛ حسینی بوشهری، ۱۴۳۷ق، ص ۲۹۳). مانند بیع عین موقوفه یا عین مرهونه که فروش وقف با شرایط خاصی امکان‌پذیر است یا عین مرهونه را بدون اذن مرتهن نمی‌توان فروخت. دلیل عدم جریان صحت این است که پشتوانه اصل صحت، بنای عقلا است؛ یعنی عقلای عالم، وقتی که فعلی اقتضای صحت داشته باشد، آن را حمل بر صحت می‌کنند، ولی در اینجا طرف فساد غلبه دارد. بنابراین، عقلاً آن را فاسد می‌پندارند، مگر این که دلیل دیگری بر صحت این گونه امور وجود داشته باشد (حسینی بوشهری، ۱۴۳۷ق، ص ۲۹۳).

د) جایی که فاعل در انجام کار، متهم باشد؛ یعنی قرائن و احتمالاتی وجود دارد که با آگاهی از آنها ظن قوی به فساد عمل حاصل می‌شود. در اینجا حمل فعل بر صحت، مورد اشکال است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۴۹؛ حسینی بوشهری، ۱۴۳۷ق، ص ۲۹۳).

در بسیاری از روایات، بر پرهیز از قرارگرفتن در موضع تهمت، تأکید شده است. ظاهراً قرارگرفتن در موضع تهمت، غالباً و به طور طبیعی، فکر و ذهن افراد جامعه را

نسبت به فرد متهم، مشوش می‌کند و آنها را بر علیه فرد متهم می‌شوراند و سبب نا امنی و هرج و مرج خواهد شد.

ه) در موارد دیگری همچون غلبه فساد بر صلاح در یک جامعه نمی‌توان از این قاعده استفاده کرد. حضرت علی 7 فرمود:

«إِذَا اسْتَوَى الصَّلَاحُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَهْلُهُ ثُمَّ أَسَاءَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ لَمْ تَظْهَرَ مِنْهُ حَوْبَةٌ فَقَدْ ظَلَمَ وَإِذَا اسْتَوَى الْفَسَادُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَهْلِهِ فَأَحْسَنَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ فَقَدْ غَرَّرَ» (نهج البلاغه، قصار 426)؛ هنگامی که صلاح و نیکی، زمانه و مردم آن را در برگیرد، در چنین شرایطی، اگر کسی گمان بد به دیگری ببرد که از او گناهی آشکار نشده است، بی‌تردید به او ستم کرده است، اما هنگامی که فساد بر زمان و اهل آن فراگیر شد، هر کس به دیگری گمان خوب ببرد، قطعاً خود را فریب داده است.

بنابراین، گمان خوب درباره دیگران در زمان کثرت و غلبه فساد در یک جامعه، نشان از ساده‌لوحی است و موجب غرر و ضرر خواهد گشت. این امر برای زمامداران امور و ناظرین دستگاه‌های مهم دولتی و حکومتی قابل توجه و ملاک است؛ چراکه هر جامعه‌ای دارای لایه‌های مختلفی است که در آن، افراد گوناگونی از قبیل متهمین و مجرمین و بزهکاران اجتماعی، زندگی می‌کنند که موضوع سخن امام در این روایت قرار می‌گیرد، ولو این‌که جامعه‌ای که این قشر را در خود جای داده است، در نگاه کلی شاهد غلبه صلاح در آن بوده باشد.

از طرفی، حسن ظن به تمام افراد، حتی متهمین سبب بروز جرائم و تکثیر آن و به نوعی سبب اشاعه فحشا به معنای اعم خود و فراگیری آن خواهد شد. بنابراین، حمل بر صحت، خلاف سیره عقلا است و تخصصاً از حیثه اصل صحت خارج خواهد شد.

شمول قاعده

اصل صحت، فارغ از دین و آیین و مذهب، در مورد همه افراد جاری می‌شود؛ به این بیان که اگر فعلی از شخصی صادر شد که مرکب از اجزا و یا شرایطی بود و در

صحت و فساد و تمامیت و نقصان آن شک شود، باید فعل او را حمل بر صحت کرد. از سویی واژه «غیر» در این قاعده موضوعیتی ندارد. حتی در مورد عمل خویش نیز می‌توان این قاعده را جاری ساخت و اگر قواعدی همچون قاعده فراغ نیز نباشد، نمازگزار با این قاعده می‌توانست نماز خویش را صحیح شمرده و به قضاکردن آن نیازی نداشته باشد. لذا میان این قاعده و قاعده فراغ، عموم مطلق می‌باشد (فیروزآبادی، ۱۴۰۰ق، ج ۵، ص ۳۰۰).

البته با توجه به قیودی، مثل «اخیک، المحسن» که در روایت آمده است، ملاک تکلیف به حسن ظن در مورد دیگران، غلبه صلاح در فرد است و چنین قاعده‌ای درباره افراد فاسد، جاری نخواهد شد. به همین منظور، دستگاه‌های اجرایی، قضایی و نظارتی که برای حفاظت و صیانت از مصالح جامعه، تشکیل می‌شوند و وظیفه شناسایی و محاکمه افراد فاسد و فاسق را بر عهده دارند و برای حفظ نظام و جلوگیری از هرج و مرج که حکمت و مصلحت قاعده صحت نیز هست، موظف به رعایت اصل صحت نخواهند بود. در غیر این صورت، تمام جامعه متضرر خواهد شد.

جریان قاعده در سیاست بین الملل

بیان شد که دلیل اصل صحت، سیره عقلا است. لذا تنها در مورد مسلمانان و جوامع اسلامی جاری نمی‌شود، بلکه شامل تمامی انسان‌ها و جوامع می‌شود. لکن این بدان معنا نیست که در زمینه مسائل سیاسی و منازعات و درگیری‌های بین المللی و تعاملات اقتصادی در سایه تهدیدهای امروزی، این قاعده جاری خواهد بود.

قرآن کریم در باره عهد و پیمان با کفار، پیمان‌شکنی را سیره و روش همیشگی آنها بیان نموده است و این مسأله بارها از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران نیز مورد توجه و تعرض قرار گرفته است؛ چراکه تنها ملاک برنامه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آنها بر اساس منافع تغییرپذیر مادی است و در این زمینه به هیچ تعهدی پایبند نیستند. لذا ممکن است درباره چنین افرادی، قاعده صحت بر عکس بوده و سوء ظن و عدم صحت حاکم شود.

«الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ» (انفال(۸): ۵۶)؛ همان کسانی که با برخی از آنان [بارها] پیمان بست، ولی هر بار پیمانشان را می‌شکنند و از خدا پروا نمی‌کنند.

بنابراین، به نظر می‌رسد اصل صحت در مورد غیر مسلمین در صورت غلبه صلاح در جامعه جاری بوده، ولی در مورد مسائلی همچون معاهدات، قراردادهای و منازعات گوناگون بین‌المللی جاری نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

۱. اگرچه علت تامه تشریح قاعده صحت، حفظ امنیت روانی جامعه نیست، لکن نمی‌توان توجه شارع را نسبت به این مهم، رد کرد. خداوند متعال به عنوان شارع و عالم به مصالح و مفاسد انسان، در تشریح قاعده صحت، امنیت روانی فرد و جامعه را در نظر گرفته است.

۲. نگاه تمدنی به فقه و توجه بین‌رشته‌ای به مباحث فقهی، بسیار کارگشا و حائز اهمیت است؛ چراکه احکام و عمل به آن هدفمند و دارای فلسفه است و سبب تقویت گفتمان فقه حکومتی می‌گردد.

۳. بهترین راه مبارزه با امراض و وسوس روانی، آگاهی از مفاد قاعده صحت و اجرای صحیح آن است. لذا در روانشناسی برای مداوای امراضی؛ همچون بدبینی، سوء ظن، وسوس و... می‌توان اصل صحت را به عنوان یک حکم شرعی، تجویز و استفاده کرد.

۴. از آنجا که امنیت روانی در ذهن و فکر انسان ریشه دارد، بر انواع دیگر امنیت مقدم است و باید همگان؛ اعم از قانونگذار، دولت و ملت در ایجاد و حفظ آن کوشا باشند و شالوده فکری و روانی فرد و جامعه را به سمت این قاعده هدایت نمایند.

۵. اصل صحت درباره تمامی افراد عالم، بدون در نظر گرفتن آیین و مذهب آنان قابل جریان است، اما در افراد و جوامعی که فساد بر صلاح غلبه داشته باشد، جریان این اصل، محل اشکال است. بنابراین، در مورد معاهدات، منازعات و قراردادهای سیاسی بین‌المللی اصل صحت جاری نخواهد شد.

یادداشت‌ها

۱. هنگامی که در علم روانشناسی بحث امنیت مطرح می‌شود، ذهن بسیاری از روانشناسان، متوجه نظریه «آبراهام مازلو» می‌شود که در نظر وی، امنیت به عنوان یکی از نیازهای زیربنایی انسان مطرح شده است (غلامعباس توسلی، جامعه‌شناسی کار و شغل، ص ۱۳۸).
۲. قانون مجازات اسلامی، مواد ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۱۶۶، ۱۹۸ و ...

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آشتیانی، میرزا محمد حسن بن جعفر، کتاب القضاء، ج ۱، قم: انتشارات زهیر - کنگره علامه آشتیانی ۱، بی تا.
۴. آقای، اصغر، رئیسی دهکردی، راضیه و آتش پور، حمید، «رابطه خوش بینی و بدبینی با سلامت روان در افراد بزرگسال شهر اصفهان»، مجله دانش و پژوهش در روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، ش ۳۳، پاییز ۱۳۸۶.
۵. ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمدبن مکرم، لسان العرب، ج ۲، ۱۵۱۱، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چ ۳، ۱۴۱۴ق.
۶. امام خمینی، سیدروح‌الله، الرسائل العشرة (للإمام الخميني)، مقرر، مجتبی تهرانى، ج ۱، قم: اسماعیلیان، چ ۳، ۱۳۶۸.
۷. انصاری، مرتضی، قاعدة لا ضرر و الید و الصحة و القرعة (فرائد الأصول)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۶۶(الف).
۹. -----، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الاسلامی، چ ۲، ۱۴۱۰ق(ب).
۱۰. توسلی، غلامعباس، جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران: سمت، ۱۳۷۵.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ج ۱، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۲. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۲، قم: مؤسسه آل البيت ،: ۱۴۰۹ق.

۱۳. حسینی بوشهری، سیدهاشم، القواعد الفقهیه، تحقیق و تنظیم: محمود رایگان، قم: مسیا، ۱۴۳۷ق.
۱۴. حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح بن علی، العناوین الفقهیه، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۵. حسینی یزدی فیروزآبادی، سید مرتضی، القواعد الفقهیه و الاجتهاد و التقليد (عنايه الأصول)، ج ۵، قم: کتابفروشی فیروزآبادی، ج ۴، ۱۴۰۰ق.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم، قاعدة الفراغ و الصحة و... الاجتهاد و التقليد (مصباح الأصول)، ج ۳، قم: کتابفروشی داوری، ج ۵، ۱۴۱۷ق.
۱۷. -----، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، ج ۱۳، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۸. زبیدی، محب الدین، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۴ و ۱۴، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۱۹. سبحانی، جعفر، المحصول فی علم الأصول (تقریرات حاج عاملی محمد حسین عاملی)، ج ۴، قم: مؤسسه امام صادق ۷، ۱۴۱۴ق.
۲۰. سید مرتضی، علی بن حسین، رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ق.
۲۱. شاملو، سعید، بهداشت روانی، تهران: انتشارات رشد، ج ۱۳، ۱۳۷۸.
۲۲. شهنی ییلاق، منیجه، موحد، احمد و شکرکن، حسین، «رابطه علی بین نگرش های مذهبی، خوش بینی، سلامت روانی و سلامت جسمانی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز»، مجله علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه چمران اهواز، دوره سوم، سال یازدهم، ش ۱ و ۲، ۱۳۸۳.
۲۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، تمهید القواعد الأصولیه و العربیه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.
۲۴. -----، فوائد القواعد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
۲۵. شهید صدر، سید محمد باقر، ماوراء الفقه، ج ۳، بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰ق.
۲۶. عراقی، ضیاء الدین، القواعد الفقهیه (نهاية الأفكار)، مقرر، محمد تقی بروجردی، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۳ و ۸، قم: نشر هجرت، ج ۲، ۱۴۱۰ق.

٢٨. قرشي، سيدعلي اكبر، قاموس قرآن، ج ١، تهران: دار الكتب الإسلامية، ج ٦، ١٣٧١.
٢٩. كليني، محمدبن يعقوب، الكافي، ج ٢، ٧ و ٨، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ج ٤، ١٤٠٧ق.
٣٠. ليشي واسطی، علی بن محمد، عيون الحكم و المواعظ (لليشي)، قم: دار الحديث، ١٣٧٦.
٣١. مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج ٧٢، بيروت: دار احياء التراث العربي، ج ٢، ١٤٠٣ق.
٣٢. محقق داماد، سيدمصطفى، قواعد فقه (محقق داماد)، ج ١، تهران: مركز نشر علوم اسلامي، ج ١٢، ١٤٠٦ق.
٣٣. مشكيني، ميرزاعلي، اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، قم: نشر الهادي، ج ٦، ١٤١٦ق.
٣٤. مصطفىوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ١، تهران: مركز الكتاب للترجمة و النشر، ١٤٠٢ق.
٣٥. مغنيه، محمدجواد، علم أصول الفقه في ثوبه الجديد، بيروت: دار العلم للملايين، ١٩٧٥م.
٣٦. مكارم شيرازي، ناصر، القواعد الفقهية (لمكارم)، ج ٢، قم: مدرسه امام اميرالمؤمنين ٧، ج ٣، ١٤١١ق.
٣٧. موسوي بجنوردي، سيدحسن، القواعد الفقهية (للجنوردي، السيد حسن)، ج ١، قم: نشر الهادي، ١٤١٩ق.
٣٨. موسوي قزويني، سيدعلي، رسالة في قاعدة «حمل فعل المسلم على الصحة»، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٩ق.
٣٩. نائيني، ميرزا محمد حسين، القواعد الفقهية (فوائد الأصول للنائيني)، ج ٤، بي جا: بي نا، بي تا.
٤٠. نراقي، مولي احمد بن محمد مهدي، عوائد الأيام في بيان قواعد الأحكام، قم: دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، ١٤١٧ق.